

سیاست‌گذاری‌های نوین حقوقی برای حمایت از میراث فرهنگی
منیر خلقی^۱ - حسین شریفی طراز کوهی^۲ - دکتر محمدحسین رمضانی قوام آبادی^۳ - علیرضا
ظاهری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۶

چکیده:

میراث فرهنگی جزئی جدایی ناپذیر تمدن بشری است که با هویت بشری ارتباط می‌یابد. به همین سبب، تعهد بر حمایت و حفاظت از آن توسط دولت‌ها، فراتر از آنچه حقوق موضوعه در نظر گرفته است، می‌باشد. این مقاله بر آن است تا به حمایت از میراث فرهنگی از منظر حقوق بشر بنگرد و با استفاده از روند تحول مفاهیم حقوق بشری و حوزه‌های شمول آن، چگونگی حمایت از میراث فرهنگی را در قامت یک حق بشری و با تمرکز با نقش سیاست‌گذاری دولتها بررسی کند و به این پرسش پاسخ دهد که آیا سازوکارها و چارچوب‌های حمایتی حقوق بشری می‌توانند برای حمایت مؤثر از میراث فرهنگی به عنوان یک حق بشری، تحت عنوان «حق بر میراث فرهنگی» در چارچوب برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دولتها کارآمد و مؤثر باشند؟ به همین منظور، ضمن بررسی مفهوم میراث فرهنگی و عناصر آن، ناگزیر باید با توجه به ارتباط آن با حقوق فرهنگی، نسبت به تبیین ابعاد مختلف ارتباط حقوق فرهنگی با میراث فرهنگی و بررسی چارچوب‌های حقوقی حمایت از میراث فرهنگی به عنوان میراث بشری پرداخته و امکان شکل‌گیری حق بر میراث فرهنگی در سیاست‌گذاری دولتها، با کمک ابزارها و مفاهیم حقوق بشری سنجیده شود.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری‌های حقوقی، میراث فرهنگی، حمایت، حقوق فرهنگی

^۱ - دانشجوی دکتری، حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

monir.kholghi@gmail.com

^۲ - دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول

hsharifit@yahoo.com

^۳ - دانشیار مدعو، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ramezani_ghavam@yahoo.com

^۴ - استادیار مدعو، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

zaheri_a@yahoo.com

مقدمه

امروزه موضوع میراث فرهنگی به جغرافیا و تاریخ یک ملت یا یک تمدن خاص ارتباط ندارد، بلکه میراث موضوعی متعلق به هویت بشر است که در ارتباط و یکپارچگی تمدن‌ها و تاریخ ملل شکل می‌گیرد و در این ارتباط و درهم‌تنیدگی است که میراث فرهنگی بشری ارزش واقعی خود را نشان می‌دهد؛ ارزشی که بدون شک، قابل تقویم نیست.

این رویکرد، به دنبال تخریب و غارت اموال فرهنگی طی جنگ‌های اول و دوم جهانی با تاسیس سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی یونسکو- که یکی از حوزه‌های فعالیت آن در بخش فرهنگ به حمایت از میراث فرهنگی است- به منظور ایجاد فرهنگ صلح و شناخت ملل از یکدیگر، بنیان نهاده شده است. (<http://en.unesco.org>)

به رغم چارچوب‌های حقوقی در نظر گرفته شده برای حمایت از میراث فرهنگی در یونسکو و دیگر سازمان‌های تخصصی مرتبط، با وقوع جنگ‌های داخلی و تغییر اوضاع، به مدد استفاده از قواعد عرفی حقوق بشردوستانه، تخریب میراث فرهنگی به عنوان جنایت جنگی و حتی جنایت علیه بشریت در نظر گرفته شد. علی‌رغم این تحولات در قرن بیست‌ویکم، فجایی در حوزه میراث فرهنگی اتفاق افتاد که تخریب بودای بامیان توسط طالبان، غارت موزه‌های عراق در حمله آمریکا به عراق و تخریب گسترده و سازمان‌یافته میراث فرهنگی طی سالهای اخیر در کشورهای خاورمیانه توسط داعش، از شدیدترین و وخیم‌ترین نمونه‌های آن است تا به آنجا که این فجایع، نه تنها توجه افکار عمومی جامعه جهانی را به خود جلب کرده، بلکه یونسکو و سازمان ملل متحد^۱ را بر آن داشت تا با صدور بیانیه‌ها و قطعنامه‌های مکرر، بر اهتمام حمایت از میراث فرهنگی و توجه بیشتر به این موضوع، اقدام کنند و حتی، مدیرکل یونسکو بارها اصطلاح نسل‌کشی فرهنگی^۲ را به کار برد. (<http://whc.unesco.org/en/news>)

۱. میراث فرهنگی و حمایت از آن در چارچوب حقوقی

اصطلاح میراث فرهنگی که برای نخستین بار در کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه به کار رفت و در کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی ۱۹۷۲ یونسکو توسعه یافت-2(Chechi, 2014: 47) عمری کمتر از نیم‌قرن دارد. پیش از این در اسناد حقوقی بین‌المللی از قبیل کنوانسیون-

^۱ - See in GA11646(28 May 2015: <http://whc.unesco.org/en/news/1313> & S/RES/2199 15 Feb. 2015) at: <http://www.un.org/en/sc/documents/resolutions/2015.shtml>

^۲ - Cultural Genocide

های لاهه و ژنو و حتی در کنوانسیون‌های خاص یونسکو^۱ از اصطلاح اموال فرهنگی استفاده می‌شد. با اینکه این اصطلاح در کنوانسیون ۱۹۷۲ فقط بخشی از میراث فرهنگی یعنی میراث فرهنگی ملموس و طبیعی را در نظر داشت، اما به تدریج، تعریف و مفهوم وسیع‌تری یافت تا جایی که آیین‌ها، رسوم، باورها و ارزش‌های یک ملت را به‌طور مجزا با عنوان میراث ناملموس در چارچوب کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس ۲۰۰۳ یونسکو نیز شامل شد.^۲ امروزه میراث فرهنگی در مفهوم موسع، شامل اموال مادی و ارزش‌های غیرمادی ملت‌ها می‌شود. به همین جهت می‌توان گفت که مفهوم میراث فرهنگی در اذهان عمومی دارای ارزش ایجابی و مرتبط با مفاهیم هویت و سرزمین است. (Silvermann, 2006: 3)

به این ترتیب، میراث فرهنگی در یک تعریف جامع و عام الشمول، یعنی آنچه از فرهنگ به مفهوم عام آن از گذشتگان به جا مانده است. با همین رویکرد مفهومی، کنوانسیون‌های خاص یونسکو و منشورهای نهادهای تخصصی بین‌المللی در این حوزه، میراث فرهنگی را به میراث طبیعی،^۳ میراث فرهنگی ملموس^۴ و میراث فرهنگی ناملموس^۵ تقسیم کرده‌اند. اما در رویکردی تاریخی و در چارچوب حقوق طبیعی، میراث فرهنگی را می‌توان به آنچه از گذشته بشر، برای آیندگان به جا مانده است باز تعریف کرد. در این راستا، مفاهیم ارائه شده از میراث فرهنگی و تفاوت رویکردها در تعریف این مفاهیم، آن را دارای ابعاد مختلف و گوناگونی می‌کند که از یک منظر با سرزمین و هویت ملت‌ها به‌طور اخص ارتباط می‌یابد و از سوی دیگر می‌توان آن را موضوعی فراسرزمینی و متعلق به همه ابناء بشر تلقی کرد.

در حقوق بین‌الملل موضوعه، همواره به رابطه میراث فرهنگی با سرزمین و حاکمیت دولت، توجه شده است. اما نگاه آرمان‌گرایانه‌ای که در رویکرد اخیر مشهود است و در برخی از اسناد بین‌المللی خاص نیز مورد توجه قرار گرفته است، حمایت مؤثر و عملی از میراث فرهنگی را با تأکید بر نقش اخلاق و حقوق در تحدید اقتدار دولت‌ها (وکیل و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۸) و ویژگی هویتی میراث فرهنگی و تعلق آن به ابناء بشر در برابر اصل حاکمیت دولت‌ها بر سرزمین، اموال و

^۱ - منظور، کنوانسیون مربوط به حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه ۱۹۵۴ و کنوانسیون اتخاذ تدابیر لازم برای ممانعت و جلوگیری از ورود، صدور و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی ۱۹۷۰ است.

^۲ - ن.ک: ماده ۲ کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس ۲۰۰۳

^۳ - Natural Heritage

^۴ - Tangible Cultural Heritage

^۵ - Intangible Cultural Heritage

اشخاص، مورد تأکید قرار می‌دهد. به همین جهت، در ادامه بحث، مفهوم میراث فرهنگی را با نگاهی آرمان‌گرایانه و در چارچوب حقوق طبیعی بررسی می‌نماییم.

همچنین در اسناد تخصصی در حوزه میراث فرهنگی، اصطلاحات مختلفی همچون حمایت^۱، حفاظت^۲ و پاسداری^۳ به چشم می‌خورد. کاربرد هر یک از این اصطلاحات، بسته به ماهیت موضوعات مرتبط در میراث فرهنگی قابل تفکیک و تمییز است و البته اختلاف نظرهایی نیز به ویژه در موضوع حفاظت و حمایت به چشم می‌خورد. از جمله اینکه حمایت به مفهوم تضمین تمامیت و ایمنی اموال فرهنگی، اعم از منقول یا غیرمنقول به‌عنوان بخشی از میراث فرهنگی است. ولی حفاظت، یکی از فعالیت‌های میراث فرهنگی و به مثابه درمان است و شامل فعالیت‌هایی می‌شود که میراث فرهنگی ملموس را در برابر آسیب‌های فیزیکی مختلف حفظ می‌کند. برای نمونه، اشیاء باستان‌شناختی که در حین کاوش‌های باستان‌شناسی کشف می‌شود، نیاز به حفاظت دارد و در حقیقت، حفاظت، یکی از اصول پایه و زیربنایی در فعالیت‌های باستان‌شناسی محسوب شده و بخشی از تدابیر حمایتی است.

۲. حقوق بشر و میراث فرهنگی

برخی از پژوهشگران حوزه حقوق بین‌الملل میراث فرهنگی بر این باورند که میان میراث فرهنگی و حقوق بشر به دلیل اشتراک برخی خصلت‌ها و اهداف ارتباط مستحکمی برقرار است. (Blake, 2015. 272) از جمله ژانت بلیک بر این اعتقاد است که یکی از این خصلت‌های مشترک، خصلت زمانی است به این ترتیب که در میراث فرهنگی، با بهره‌گیری از تجارب و دستاوردهای گذشتگان در جهت بهبود زندگی بشر و جامعه برای زمان حال تلاش می‌کنیم و در حقوق بشر نیز از ارتقای وضع موجود بهبود وضعیت آینده و جامعه را در نظر می‌گیریم؛ به این ترتیب هر دو حالت بر تمایل بشر به توسعه تمرکز دارند.

با ابتناء بر مفهوم میراث فرهنگی و رابطه آن با فرهنگ از ابعاد مختلف مردم‌شناسی و حتی حقوق می‌توان میراث فرهنگی را یکی از اشکال حقوق فرهنگی به شمار آورد. لذا با تأکید بر این معیار حقوقی که حقوق بشر، قابل انشقاق نیست و همچنین اعلام کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین به سال ۱۹۹۳ مبنی بر اینکه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

^۱ -Protection

^۲ -Conservation

^۳ -Safeguarding

به یکدیگر وابسته‌اند، حقوق فرهنگی را از حقوق بشر نباید جدا دانست. (Stamatopoulou, 20-09.19) لذا، برای تشریح رابطه میراث فرهنگی با حقوق بشر ناگزیر به فهم رابطه حقوق فرهنگی با میراث فرهنگی هستیم.

۳. رابطه حقوق فرهنگی و میراث فرهنگی

در مقایسه با سایر مقوله‌های حقوق بشری از قبیل حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و حقوق اقتصادی، کمتر به حقوق فرهنگی پرداخته شده است. این امر در بررسی بسیاری از اسناد و گزارش‌های دولت‌ها به شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ نیز به خوبی مشهود است که آن را می‌توان، ناشی از دشواری و گستردگی مفهوم فرهنگ، عناصر فرهنگی و زیر مجموعه‌های آن دانست. اصطلاح حقوق فرهنگی به‌صراحت، نخستین بار در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفت.^۲ اما به رغم گستردگی مفهوم فرهنگ، در میثاق یاد شده، حمایت از حقوق فرهنگی به دو مقوله حق افراد بر شرکت در زندگی فرهنگی، بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و حق بر تألیف و اختراع، محدود بوده و دولت‌ها مکلف به اتخاذ تدابیر لازم برای تحقق این حقوق هستند.

در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی^۳ و پیش از آن در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به حق افراد بر مشارکت در زندگی اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان یک حق جمعی توجه شده است.^۴ بخش اعظمی از حقوق فرهنگی به واسطه ماهیت حیات اجتماعی بشر در چارچوب یک حق جمعی به‌واسطه گستره شمول فرهنگ و مصادیق آن، با موضوعات مختلف و بخش دیگری از آن شامل حق بر آموزش، حق بهره‌مندی و مشارکت در تجمعات فرهنگی و استفاده از زبان و آیین‌های خاص متعلق به اقلیت‌های قومی است که به صراحت در منشور حقوق بشر نیز به آن اشاره شده است.

^۱ - ECOSOC

^۲ - ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶

^۳ - ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: «در کشورهایی اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم کرد که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند»

^۴ - بند ۱ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هرکس حق دارد در حیات فرهنگی جامعه مشارکت کند و از هنر و پیشرفت‌های علمی و فواید آن بهره‌مند شود...»

به این ترتیب به طور کلی می‌توان گفت «حقوق فرهنگی، مجموعه‌ای از حقوق بشری است که افراد بشر در شیوه زندگی خود بدان نیاز دارند و این حقوق با توجه به زندگی افراد بشر، طیف وسیعی از حقوق فردی و جمعی را در بر می‌گیرد». (مجدزاده، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۳)

با این وصف عبارت «شیوه زندگی» در تعریف فرهنگ با موضوعات مختلفی نیز در میراث فرهنگی و همچنین بسیاری از جنبه‌های حقوق بشری ارتباط می‌یابد زیرا میراث فرهنگی به صورت خاص، علاوه بر مطالعه و حفاظت و معرفی شیوه زندگی بشر از گذشته تاکنون به این امر می‌پردازد که در جهت تکامل و سیر تحول زندگی بشر از گذشته تا حال و حتی برای بهره‌برداری نسل‌های آینده چه باید کرد به عبارتی شیوه زندگی گذشتگان به طور خاص پس از شکل‌گیری اجتماعات بشری، با حقوق فردی، اجتماعی، فرهنگی و جمعی بشر امروزی ارتباط می‌یابد. با توجه به ارتباط نسل‌های مختلف حقوق بشری با یکدیگر، نقطه عطف حقوق فرهنگی را با تمرکز بر میراث فرهنگی، می‌توان فراتر از نسل‌های اول و دوم حقوق بشر در نسل سوم حقوق بشری، موسوم به حقوق همبستگی یافت، یعنی جایگاهی که برای حق بر محیط‌زیست سالم، میراث مشترک بشریت و حق بر صلح به‌عنوان مصادیق این نسل در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، سیر تکاملی حیات بشر، اشکال مختلفی از این حقوق را در پی داشته که با تغییر شیوه زندگی بشر در طول تاریخ، حتی تغییر و تحولات فرهنگی را سبب شده است. آنچه از این تغییرات، اعم از ملموس یا ناملموس برای بشر امروزی به جا مانده است، به عنوان مصادیقی از میراث فرهنگی تلقی می‌شود. در بررسی مصادیق دیگر حقوق فرهنگی از قبیل آزادی خلق آثار هنری، علمی، ادبی، شناسایی حقوق خاص برای پدیدآورندگان آثار ادبی، علمی و هنری یا مصادیقی که یونسکو به عنوان لیست مقدماتی حقوق فرهنگی^۱ ارائه کرده است، می‌توان چنین دریافت کرد که علاوه بر حقوق جمعی برشمرده در حقوق فرهنگی، رگه‌هایی از حقوق فردی و هویت را، در بطن خود نهفته دارد. توسیع مفهوم حقوق فرهنگی موجب ارتباط آن با حقوق فردی مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر خواهد بود که علاوه بر تعهدات ایجابی دولت‌ها در چارچوب پیشگیری، قانونگذاری و همکاری، زمینه‌ساز برخی تعهدات سلبی دولت

^۱ - Preliminary List of Cultural Rights

برای رعایت حقوق بشری اقلیت‌ها از هر طیف نیز می‌شود.^۱ با تمرکز بر اهمیت هویت و تنوع فرهنگی بر مبنای اصول عدالت و انصاف در حقوق طبیعی، ارتباط میان حقوق فرهنگی به طور ویژه با موضوع میراث فرهنگی، نمود بیشتری می‌یابد. برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که «از آنجا که تنوع فرهنگ‌ها باز نمایانگر تنوع مردمان است، این امر بدون شک، بدو به میراث فرهنگی ناملموس مرتبط می‌شود زیرا چنین میراثی بیانگر شیوه زندگی و رفتاری ویژه جوامع مختلف است. به همین جهت، حفاظت از تنوع فرهنگی بر اساس ماده ۱ اعلامیه جهانی، در منحصر به فرد بودن و کثرت هویت‌های گروه‌ها و جوامعی که نوع بشر را می‌آرایند، تبلور می‌یابد» (Lenwerini, 2011.103).

به این ترتیب، یکی از موضوعاتی که باید به آن توجه داشت، موضوع حق بر هویت فرهنگی است. حمایت از میراث فرهنگی ریشه در احترام به هویت بشری دارد. درک گیلمن نیز در اثر خود با عنوان **مفهوم میراث فرهنگی** آورده است: یکی از نمادهای تبلور هویت فرهنگی یک جامعه یا یک ملت، میراث فرهنگی است و به همین جهت، می‌توان رابطه مستقیمی میان میراث فرهنگی و حق بر هویت، به عنوان مصداقی نو در نظر گرفت زیرا میراث فرهنگی در حفظ هویت فرهنگی ملت‌ها نقش اساسی دارد. (مجدزاده، ۱۳۹۰: ۵-۱۲۶-۱۲۷)

تفکیک حق بر هویت فرهنگی، به عنوان یکی از پایه‌های حقوق فرهنگی، از میراث فرهنگی، ماهیت میراث فرهنگی را خالی از معنا و بی‌مفهوم می‌کند. به همین جهت، لازم است حمایت از میراث فرهنگی به عنوان یک حق جمعی که با هویت جامعه بشری در ارتباط است، به صراحت پذیرفته شود و به همین جهت است که نمی‌توان رابطه میان میراث فرهنگی با حقوق بشری را انکار کرد. (Chechi, 2014.50) به این ترتیب، فجایع اخیر گروه تروریستی داعش در تخریب میراث فرهنگی کشورهای سوریه و عراق نیز بخشی از پروژه نسل‌کشی فرهنگی به شمار می‌آید که علاوه بر انهدام این آثار، بخشی از هویت و باورهای یک نسل بشر را از میان می‌برد. تخریب این آثار امکان مطالعه، شناخت، ثبت و حفاظت از آنها را نه‌تنها برای حاملان و وارثان درجه اول آن فرهنگ خاص، بلکه برای سایر ملل به‌عنوان طبقه بعدی وارثان از میان می‌برد. به این ترتیب

^۱ - تعهدات ایجابی یا دخالت مثبت دولت‌ها به فراخور موضوعات مطروحه در کنوانسیون‌ها، متغیر است. برای نمونه، در کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس ۲۰۳ به شناسایی میراث فرهنگی، تهیه فهرست از آنها، آموزش، اطلاع‌رسانی و بالابردن سطح آگاهی عمومی در خصوص قانون و بالاخره تصویب آن‌ها اشاره شده است.

حمایت از میراث فرهنگی، به عنوان یکی از مصادیق بارز میراث مشترک بشریت در اسناد حقوقی بین‌المللی مربوطه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۴. حمایت از میراث فرهنگی با اصل میراث مشترک بشریت

میراث مشترک بشریت، از اصول برآمده از حقوق طبیعی است. (وکیل و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۸) این اصل در حقوق بین‌الملل مدرن در ارتباط با وضعیت محیط‌های طبیعی مشترک، از قبیل اعماق دریاها و ماه به منصفه ظهور رسید. به طور کلی مؤلفه‌ها و ریشه‌های بنیادین اصل میراث مشترک بشریت را در چند اصل به شرح ذیل احصاء می‌کنند: (Tylor, 2011.65)

۱- هیچ دولت یا شخصی نمی‌تواند مالک فضاها یا منابع میراث مشترک باشد. (اصل عدم تصاحب)

۲- استفاده از میراث مشترک باید مطابق با سازوکار مدیریت همکاری برای انتفاع همه بشریت باشد.

۳- استفاده از میراث مشترک بشریت باید برای مقاصد صلح‌آمیز باشد و از مصارف نظامی پیشگیری شود.

۴- میراث مشترک بشریت باید به نسل‌های آینده انتقال یابد و تمامیت زیستی و از تساوی بین‌نسلی آن حمایت شود.

البته نباید از این نکته نیز غافل شد که اصل میراث مشترک بشریت در حوزه میراث فرهنگی با آنچه در موضوع حقوق دریاها یا فضا مورد توجه است، تفاوت دارد؛ به این مفهوم که میراث فرهنگی، در برخی تفاسیر به واسطه تسلط مفاهیم وضعی حقوقی در این حوزه، به عنوان بخشی از حقوق حاکمیتی دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود و در شمول حاکمیت یک دولت یا مالکیت اشخاص حقیقی و یا حقوقی قرار می‌گیرند، هرچند که منفعت عمومی جامعه بین‌المللی در حفظ و تمتع از آن مطرح باشد. (Francioni, 2008, 13)

با در نظر داشتن موارد فوق، از سه مؤلفه ارزش مشترک، همکاری مشترک و نفع مشترک، به‌رغم تعارض با مفاهیمی همچون مالکیت، حاکمیت، جمعیت و سرزمین برای انطباق با اصل میراث مشترک بشریت بهره گرفته می‌شود تا در یابیم میراث فرهنگی تا چه اندازه می‌تواند به عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت برشمرده شود.

الف. ارزش مشترک^۱. طبق این مفهوم، میراث فرهنگی، در روشن کردن بخشی از تاریخ تحول و تکامل بشریت و زندگی آن نقش دارد. علوم باستان‌شناسی، انسان‌شناسی و یافته‌های حاصل از این علوم نیز در دوران مختلف بر این امر تأکید می‌کند و در همین چارچوب نیز، حفاظت از میراث فرهنگی به معنای عام در کنوانسیون‌های بین‌المللی و جهانی لحاظ شده است.

ب. همکاری مشترک^۲. به موجب این مولفه، دولت‌های عضو و در پاره‌ای موارد، کلیه دولت‌ها به حمایت از میراث فرهنگی متعهد و ملزم شده‌اند و در اسناد مرتبط با موضوع حمایت از میراث فرهنگی به صراحت بر این نکته تأکید شده است. (ن.ک: بند (ج) قطعنامه دوم پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ۱۹۵۴ یونسکو، پاراگراف ۸ مقدمه کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو، ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو، پاراگراف ۷ مقدمه کنوانسیون مؤسسه بین‌المللی یکنواخت سازی حقوق خصوصی پیرامون اشیاء فرهنگی مسروقه یا غیر قانونی خارج شده ۱۹۹۵، پاراگراف ۱۰ و ماده ۱۹ کنوانسیون ۲۰۰۱ یونسکو).

ج. نفع مشترک^۳. در این مفهوم، منفعت مشترک علمی و فرهنگی بشریت در وهله اول اهمیت قرار می‌گیرد. همان طور که قبلاً اشاره شد، میراث فرهنگی، علاوه بر ارتباط مستقیم با حقوق فرهنگی، با حقوق اقتصادی و حق بر هویت فرهنگی بشر نیز ارتباط غیرمستقیم دارد. نفع مشترک بشری در حمایت از میراث فرهنگی در قالب مفهوم توسعه پایدار جهانی تجلی می‌یابد؛ به این ترتیب که حمایت از میراث فرهنگی از یک‌سو در چارچوب منفعت فرهنگی و از سوی دیگر با منفعت اقتصادی و به صورت همزمان با حمایت از محیط‌زیست که مشتمل بر مناظر طبیعی و فرهنگی خواهد بود، منفعت (نفع) مشترک را رقم می‌زند و نسل‌های گذشته، حال و آینده بشر را متأثر می‌سازد.

با در نظر داشتن این اصل که در استفاده از میراث مشترک باید سود مشترک بشر را لحاظ کرد و این امر مستلزم تحدید حاکمیت دولتهاست، به این ترتیب در حمایت از میراث فرهنگی به رغم استفاده محدود، معین و مشخص دولتها، سود و منفعت جامعه بشری مستتر است و از همین جهت، آن را دارای اهمیت و واجد اطلاق مفهوم میراث مشترک بشری می‌کند. میراث مشترک بشریت به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق همبستگی و نقطه اتصال حقوق

^۱ -Common Value

^۲ -Joint cooperation (common Cooperation)

^۳ -Common interest

طبیعی با حقوق همبستگی در کنار سایر حق‌های بشری همچون حق بر صلح، حق بر توسعه و حق بر محیط زیست سالم قرار گرفته است که به عنوان یک اصل نوظهور در حقوق بین‌الملل نوین، ریشه‌هایی در حقوق بین‌الملل سنتی دارد. اما این اصطلاح در اسناد مختلف حقوق بین‌المللی با موضوعات مختلف، مفاهیم متعددی پیدا کرده است. استفاده از این اصطلاح در کنوانسیون حقوق دریاها یا در موافقت‌نامه ماه و ماهیت این مفهوم در اسناد حمایتی میراث فرهنگی و حقوق بشری با توجه به ماهیت متفاوت موضوعات، وضعیت‌های مشترک اما متمایزی را فراهم می‌آورد که نیازمند بررسی‌های مبنایی در خصوص ماهیت حق و تکلیف مترتب بر موضوع است.

لذا با مروری بر اسنادی که به اصل میراث مشترک بشریت اشاره کرده‌اند، می‌توان با تنوع دیدگاه‌ها و رویکردهای نظری پیرامون این موضوع مواجه شد، اما هیچ یک از این اسناد، تعریف روشن و دقیقی نیز از میراث مشترک بشریت ارائه نمی‌دهند بلکه فقط اوصاف و ارکان آن را ذکر می‌کنند، در حالی که استفاده از واژه میراث در مفهوم میراث مشترک بشریت به جنبه مادی حفاظت مشترک از مناطق و منابع غیرقابل تملک ملی می‌پردازد. (حبیب زاده و منصوری، ۱۳۹۲: ۹۲) گروهی از حقوق‌دانان نیز، همانند محمد بجای معتقدند: «اصل میراث مشترک بشریت به این معناست که در ورای فرد، گروه اجتماعی یا دولت، باید منافع مالی برتر مجموعه بشریت حفظ شود و از نعمات جهان و کلیه محسنات زندگی، در چارچوب روح همبستگی که فراتر از مرزهاست، بهره‌مند شود». (بجای، ۱۳۷۶: ۲۳) برخی نیز در تحلیل این اصل، عنوان می‌کنند که «این ثروت مشترک، میراثی است که نسل حاضر در ایجاد آن، نقشی نداشته است و از گذشتگان به ما رسیده است و باید تقسیم منافع آن به طور عادلانه و به نفع بشر انجام پذیرد». (همان) البته گروهی نیز بر این باورند که میراث مشترک بشریت، «مفهومی است که نشان‌دهنده تعهدی کلی به حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی است، خواه در قلمرو ملی باشد یا ماورای آن». (Koester, 1990. 17)

اما از آنجا که یونسکو این مفهوم را در مورد مکان‌ها و موضوعاتی که دارای ارزش معنوی و فرهنگی نیز هستند به کار برد، به تدریج دامنه شمول آن به بعضی از مناطق جغرافیایی و همچنین موضوعات فرهنگی که کل بشریت در آن ذی‌نفع است، گسترش یافته است. (Kaland, 2014.3) به این ترتیب، با تأملی بر دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف درباره این موضوع می‌توان چنین استنباط کرد که «میراث مشترک بشریت، ترکیبی از میراث‌های ارضی، سماوی و معنوی است که متضمن ارزش‌ها و نفع مشترک برای کل نسل‌های بشری (اعم از گذشتگان، نسل‌های فعلی

و نسل‌های آینده است) و مستلزم فعالیت مشترک و هماهنگ همه ملت‌ها به نفع همه نسل‌های حال و آینده است». (حبیب زاده و منصوری، ۱۳۹۲: ۹۳) به این ترتیب تفاوت‌های مفهومی متأثر از تفاوت دیدگاه‌ها، اصل میراث مشترک بشریت را دارای مؤلفه‌ها و ارکان تشکیل‌دهنده متفاوتی نیز خواهد کرد.

۵. میراث فرهنگی، به مثابه میراث بشری

با مروری بر اسناد حمایتی حقوق بشر و دوستانه به عنوان یکی از موضوعات حقوق موضوعه و بخشی از حقوق عرفی، اهمیت و نقش میراث فرهنگی در حیات اجتماعی و فرهنگی مشهود است. کنوانسیون لاهه ۱۹۵۴ یونسکو، اندک زمانی پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، برای نخستین بار به صراحت از ضرورت حمایت از میراث فرهنگی به عنوان میراث بشری سخن به میان آورد و با رعایت جانب احتیاط، از میراث فرهنگی به عنوان میراث بشری نام برده است، آنجا که در مقدمه اشاره می‌کند: «... کلیه اموال در فرهنگ جهانی سهیم هستند و لطمه به اموال فرهنگی هر قوم به منزله لطمه به اموال کلیه بشریت است...» و با توجه به اینکه حفظ اموال فرهنگی برای کلیه اقوام جهانی اهمیت بسیار دارد، لازم است، اموال مزبور مورد حمایت قرار گیرند...». متعاقب آن، همراه با توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، یونسکو در مقدمه کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و جهانی ۱۹۷۲ مجدداً اشعار داشته: «... ویرانی یا انهدام هر قسمت از میراث فرهنگی و طبیعی موجب فقر شدید میراث همه ملل جهان می‌شود...» و با توجه به اینکه برخی از میراث فرهنگی و طبیعی دارای مزایایی استثنایی است که باید به عنوان میراث جهانی بشریت حفظ شود»، گامی به سوی اصل میراث مشترک بشریت برداشته شد.

سپس ذیل ماده ۱۰ پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در صورت بروز مخاصمات مسلحانه ۱۹۹۹، برای حمایت عالی از اموال فرهنگی شرایط سه‌گانه‌ای ذکر شد که یکی از آنها چنین است که اموال فرهنگی مورد حمایت باید یکی از مهم‌ترین «میراث‌های فرهنگی بشریت» باشد.

در حوزه میراث فرهنگی ناملموس نیز، توصیه‌نامه تضمین فرهنگ سنتی عامه در سال ۱۹۸۹ میلادی اشاره می‌کند که فرهنگ سنتی، بخشی از میراث جهانی بشریت را شکل می‌دهد و وسیله قدرتمندی است تا ملت‌های مختلف و گروه‌های اجتماعی متعدد را که مدعی هویت فرهنگی‌اند، گرد هم آورد. (مجدزاده، ۱۳۹۰: ۱۲۹) در تداوم همین جریان نیز اعلامیه جهانی

تنوع فرهنگی ۲۰۰۱، کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی ناملموس ۲۰۰۳ و کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی ۲۰۰۵ گامی فراتر نهاده و حمایت و حراست از میراث فرهنگی را به‌عنوان بخشی از میراث بشری واجد اهمیت از جنبه حقوق بشری برمی‌شمارند.

۶. حمایت از میراث فرهنگی در قامت یک حق بشری

در حال حاضر، حمایت از میراث فرهنگی به‌عنوان یکی از اشکال شناخته شده و مطرح حقوق فرهنگی در قرن بیست‌ویکم، از دغدغه‌های جامعه بین‌المللی به شمار می‌رود. (Lerat-Hardy, 2015:50) در نظر داشتن حق بشری برای حمایت مؤثر از میراث فرهنگی، برای نخستین بار در سال ۱۹۹۸ در بیانیه ایکوموس به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت مشخص عنوان شد^۱ و پس از آن، محور توجه کنوانسیون پاسداری از میراث ناملموس ۲۰۰۳ و کنوانسیون تنوع فرهنگی ۲۰۰۵ شد. در حال حاضر نیز موضوع تنوع فرهنگی که آن را می‌توان پیوندگاه حقوق بشر و میراث فرهنگی دانست، برای حمایت از میراث فرهنگی بسیار مورد توجه است. در سال‌های اخیر، علاوه بر میراث فرهنگی ناملموس، تحت عنوان حق بر میراث جهانی، حمایت از میراث فرهنگی ملموس که موضوع کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو است مورد توجه قرار گرفته است و موضوع مطالعه و بحث سازمان‌های مردم‌نهادِ دوستدار میراث فرهنگی و سازمان‌های تخصصی فعال در حوزه میراث فرهنگی است. برای تبیین بهتر این مفهوم در ادبیات حقوقی میراث فرهنگی، ضرورت دارد تا ماهیت حق و حدود تکالیف در این حوزه، بررسی و تحلیل شود و با استفاده از این تحلیل، ضمن تعیین ارکان این مفهوم، آثار حمایت از میراث فرهنگی در چارچوب موضوع، ارزیابی شود.

اینکه حقوق بشر دربردارنده آن دسته حقوقی است که انسان به سبب ماهیت و ذات انسانی خود (به‌ماهو انسان) حائز تمتع و بهره‌مندی از آن است، یک اصل مسلم و بدیهی است. لذا برای تحلیل بحث حمایت از میراث فرهنگی به عنوان مصداقی از حقوق فرهنگی ضرورت دارد تا در چارچوب‌های پذیرفته شده و رایج حقوق بشری با تأکید بر مفهوم حق و قلمرو آن بررسی شود. در تحلیل مفهوم حق، البته به معنای حق داشتن بر اساس نظریه هوفلد، چهارگونه رابطه

^۱ - See in Declaration of ICOMOS Marking the 50th Anniversary of the Universal Declaration of Human Rights, Stockholm, and September 11th, 1998 at: <http://www.icomos.org/charters/Stockholm-e.pdf>.

حقوقی مستفاد می‌شود (سید فاطمی قاری، ۱۳۸۸: ۹۸) که عبارت‌اند از حق - مطالبه، حق - آزادی یا حق - امتیاز^۱، حق - قدرت (اختیار)^۲ و حق - مصونیت^۳. ماهیت حق‌ها در برخی موارد سبب می‌شود تا دولت‌ها با تحدید حاکمیت و اقتدار خود، با رعایت تساهل و تسامح، شهروندان را برای برخورداری از حقوق بشری خود آزاد بگذارند و از پاره‌ای اقدامات، خودداری کرده یا در مواردی زمینه مساعد برای احقاق این حقوق را فراهم کنند. به همین منظور لازم است مشخص شود که قائل شدن به «حق بر میراث فرهنگی» در چارچوب کدام یک از مقوله‌های چهارگانه فوق می‌گنجد، یعنی مبنای اخلاقی یا موضعی که میراث فرهنگی می‌تواند در یک نظام حقوقی داشته باشد، بسته به نوع تضمین‌ها و برخورد هر نظام، شناسایی شود.

حمایت از میراث فرهنگی در اغلب نظام‌های حقوقی، با وجود تفاوت دیدگاه‌ها و تفسیر جایگاهی که هر کشور برای میراث فرهنگی قائل است، از وظایف حاکمیتی و تکالیف دولت محسوب می‌شود. به این ترتیب، ایفای این وظیفه و تعهد حاکمیتی با حقوق ملت گره خورده است. از همین رو، می‌توان حمایت از میراث فرهنگی را در زمره حق - ادعا (مطالبه) به شمار آورد که با توجه به ماهیت تکلیف و مسئولیت حقوقی دولت برای حمایت از میراث فرهنگی، با حق - قدرت نیز ملازمه دارد. از سوی دیگر، با توجه به ماهیت هنجاری حقوق بشر معاصر که متضمن حق‌های افراد در برابر دولت است و کارکرد اصلی آن در تحدید قدرت دولت در برابر افراد (سید فاطمی قاری، ۱۳۸۸: ۱-۴۸)، برخورداری افراد یک جامعه از آثار حمایت از میراث فرهنگی آن، موضوعات مختلفی را به عنوان حقوق افراد در برابر دولت مطرح می‌کند، مواردی از قبیل حق بر هویت، حق بر آموزش، حق بهره‌مندی از منافع علمی، مشارکت در زندگی فرهنگی و اجتماعی.

رویه دولت‌ها در ایفاء تعهدات آنها به منظور مراعات حقوق بشری در این موضوع به‌طور عمده در دو شکل قابل بررسی است:

۱. تعهدات سلبی دولت‌ها در حمایت از میراث فرهنگی به‌عنوان یک حق بشری به رغم ارتباط آن با نسل دوم حقوق بشری به صورت مستقیم، با حقوق بشری نسل اول یعنی مباحث حقوق بشری مطروحه در میثاق حقوق سیاسی و مدنی نیز ارتباط مستقیم دارد. این بخش از

^۱ -Liberty/privilege-right

^۲ -Power-right

^۳ -Immunity-right

تعهدات دولت‌ها برای حمایت از میراث فرهنگی در چارچوب حق بر هویت مطرح است. بخشی از تعهدات دولت در کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس ۲۰۰۳ و کنوانسیون تنوع فرهنگی ۲۰۰۵ یونسکو در زمره این دسته از حقوق قرار می‌گیرد.^۱

۲. اما بخش دیگری از تعهدات دولت در حمایت از میراث فرهنگی، تعهدات ایجابی به شمار می‌رود؛ به این مفهوم که دولت‌ها باید نسبت به زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی‌های لازم برای حمایت از میراث فرهنگی اقدام کنند. در این بخش از تعهدات، همانند دیگر حقوق بشری نسل دوم که زمینه‌های حیات اجتماعی و فرهنگی بشر را مدنظر دارند، دولت‌ها وظیفه و تعهد بر ایجاد زمینه‌ها و شرایط لازم برای برخورداری از این حقوق را دارند. بخش عمده‌ای از تعهدات دولت‌ها در حمایت از میراث فرهنگی، خواه میراث فرهنگی ملموس یا میراث فرهنگی ناملموس در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با این امر است. از جمله تعهدات ایجابی دولت، آموزش، اطلاع رسانی، مشارکت‌پذیری و همکاری با جامعه محلی یا انجام اقدامات علمی، فنی و عملی که به صورت مستقیم و مشخص برای حمایت از میراث فرهنگی در ارتباط است.^۲ برای نمونه زمانی که در موضوع پاسداری از میراث ناملموس، یک دولت برای ثبت جهانی و پاسداری از عنصر ناملموس، به آن توجه می‌کند، ممکن است در ارتباط با این عنصر، حقوق مختلفی به فراخور موضوع مطرح‌شده، مورد توجه قرار گیرد. برای نمونه، اگر طب سنتی یک کشور برای ثبت جهانی و پاسداری از آن، واجد شرایط شناخته شود، این موضوع، علاوه بر جنبه فرهنگی و حقوق فرهنگی مترتب بر آن، با حق بر سلامت نیز به‌عنوان یک حق اجتماعی در ارتباط است. به این ترتیب، دولت‌ها موظفانند تا ضمن پاسداری از هویت ملی یا حفاظت و حمایت بخشی از آثار مکشوفه تاریخ بشری، نسبت به حمایت از میراث فرهنگی ملت‌ها که با حق بر هویت فرهنگی آن‌ها ملازمه دارد، اقدام کنند.

اما علاوه بر دو تعهد پیش‌گفته، در چارچوب‌های نهادی در نظر گرفته‌شده در یونسکو برای همکاری دولت‌ها در حمایت از میراث فرهنگی به عنوان یک اصل مسلم حقوق بین‌المللی، اماره‌ای بر حقوق همبستگی نیز به‌وضوح قابل مشاهده است یعنی دولت‌ها علاوه بر وظایف و

^۱ - در مقدمه کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس ۲۰۰۳ بر میثاق حقوق سیاسی و مدنی به‌صراحت اشاره شده است و این موضوع به‌صورت خاص در کنوانسیون ۲۰۰۵ یونسکو بیشتر مورد اشاره و تأکید است.

^۲ - مواد ۴، ۵ و ۶ در کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی ۱۹۷۲، پاراگراف ۵ مقدمه کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب ۲۰۰۱، مواد ۱۱ تا ۱۵ کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس ۲۰۰۳.

تعهدات سلبی و ایجابی که به طور مشخص در حمایت از میراث فرهنگی خود دارند، برای حمایت از میراث فرهنگی بشری، تعهد به همکاری نیز خواهند داشت.

میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اساسی فرد را بر حاکمیت ملی مرجع دانسته است، اما از آنجاکه افراد به گروه‌های اجتماعی تعلق دارند، این ظرفیت برای تعارض میان تمایل برای حق تعیین سرنوشت فرهنگی توسط یک گروه و گروه دیگر یا دولت-ملت دیگری نیز وجود دارد. از همین رو الزار بارکان^۱ معتقد است که اگر چه حداقل‌های جهانی از حقوق بشر وجود دارد، حقوق بشری بسیاری تقریباً به‌عنوان اینکه در درون تنوعات محلی اعمال می‌شود، تنوع می‌یابد». (Silverman & Ruggles, 2007, 4) از نظر ناجنگاستان ترنر^۲ نیز «حقوق بشری جهانی، یکی از گفتمان‌های جهانی است». (Silverman & Ruggles, 2007, 4)

از همین رو در برخی از اسناد، پیش از آنکه میراث فرهنگی به عنوان یک حق بشری نگریسته شود، بر حفظ برخی از میراث فرهنگی و طبیعی به عنوان میراث جهانی بشریت اشاره شده است و به مشارکت و همکاری جامعه بین‌المللی در حمایت از آنها اشاره شده است.

به این ترتیب، حمایت از میراث فرهنگی به صورت ضمنی^۳ در قالب یک حق در این کنوانسیون-ها تصریح گردیده‌اند که عدم ایفای تعهد دولت‌ها در حمایت از آن، محرومیت جامعه بشری را در پی خواهد داشت. در همین راستا کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲ با در نظر گرفتن حمایت-های خاص برای برخی از آثار واجد اهمیت غیرمنقول تاریخی و طبیعی، زمینه‌ای را فراهم آورده است تا دولت‌ها در چارچوب‌های معین و تعریف شده، از میراث فرهنگی حفاظت و حمایت کنند. به همین جهت، دولت‌ها به‌عنوان یک تعهد سلبی باید از تخریب عامدانه این آثار فرهنگی خودداری کنند زیرا برای حمایت از میراث فرهنگی به عنوان یک حق بشری، چنانچه یک اثر فرهنگی تخریب شود، هم ملت مبدأ اثر و هم جامعه بین‌المللی، بخشی از میراث جهانی را از دست خواهند داد (SHENG, 2010, 61) این امر به اشیاء و اموال فرهنگی نیز تسری می‌یابد به همین سبب اعتقاد بر آن است که این دسته از اموال نیز، جدا از محیط فرهنگی یعنی خارج از زیست‌بوم فرهنگی خود، مفهوم تاریخی و فرهنگی را از دست خواهند داد.

در مقدمه کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب ۲۰۰۱، بر اهمیت میراث فرهنگی

^۱ - Elczar Barkan

^۲ - Nagengastand Turner

^۳ - implicit

زیر آب به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر میراث فرهنگی بشری و عاملی فوق‌العاده مهم در تاریخ بشری، ملت‌ها و روابطشان با یکدیگر در زمینه میراث مشترک تأکید شده است. در کنوانسیون‌های پاسداری از میراث ناملموس ۲۰۰۳ و تنوع فرهنگی ۲۰۰۵، به وضوح ارتباط میان میراث فرهنگی با حقوق بشر، قوام یافته و زمینه‌ای فراهم شده است تا از میراث فرهنگی، به‌عنوان یک حق بشری حمایت شود.

به‌رغم برخی باورها مبنی بر اینکه پرداختن به این امر در حوزه میراث فرهنگی ملموس، اندکی پیچیده و دشوار است، طرح سؤالاتی مانند اینکه چه رابطه‌ای می‌تواند میان حفاظت و حمایت از اموال فرهنگی منقول و غیرمنقول با میراث فرهنگی وجود داشته باشد و آیا به طور مشخص می‌توان برای ملت‌ها حقی را به عنوان حق بر میراث جهانی قائل موضوعاتی قابل تأمل و بررسی هستند اما پاسخ به این سؤالات را می‌توان با توجه به چارچوب‌های حقوقی موجود برای حمایت از میراث فرهنگی ملموس در زمان مخاصمات مسلحانه و جرم‌انگاری تخریب و انهدام این آثار به عنوان مصادیقی از جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت که در اساسنامه رم ۱۹۹۸ به آن اشاره شده است، مورد توجه قرار داد.

بدون شک، با محوریت حاکمیت دولت‌ها در مقوله میراث فرهنگی، طرح ضرورت‌ها و الزامات حمایتی در چارچوب یک حق بشری، اندکی دشوار خواهد بود، چرا که بر محوریت این اصل، هر دولتی حق اعمال حاکمیت مطلق و بدون قید و شرط بر اموال و اشخاص خود را دارد و بر اساس بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد، سایر دولت‌ها حق ندارند در اموری که ذاتاً در صلاحیت داخلی یک کشور است مداخله کنند. با وجود این، نباید فراموش کرد که در طرح موضوعات حقوق بشری، «بشریت، شکل گرامری است که برخی از حقوق اساسی انسانی، تنها بخش ضروری آن است». (شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۰: ۴۰)

در تکوین مقوله حق بر میراث فرهنگی، توجه به قواعد حقوق بشردوستانه و نقش آن در شکل‌گیری این حق، غیرقابل انکار است و نباید از نظر دور داشت که حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، نخستین حوزه‌ای بود که رفتار استثنایی را در خصوص میراث فرهنگی اتخاذ کرد و در این روند نقش‌آفرینی میان حقوق بین‌المللی بشردوستانه، حقوق بین‌المللی کیفری و حقوق بشر برای حمایت از میراث فرهنگی، اهمیت آن را برای بشریت، منطقی کرده است. پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در زمان بروز مخاصمات مسلحانه، مصوب ۱۹۹۹ نیز، آنجا که به‌صراحت در بخش پنجم، ذیل ماده ۲۲ به

حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه‌ای که ویژگی بین‌المللی ندارد، توجه می‌کند، تا حدود زیادی با تحدید حاکمیت دولت‌ها و در نظر داشتن اصل مسئولیت دولت، زمینه ایجاد حق بشری برای حمایت از میراث فرهنگی را فراهم می‌کند.

به این ترتیب با ترویج و ارتقاء مفاهیم حقوق بشری از نیمه دوم قرن بیستم، منطق حمایت از میراث فرهنگی تقویت شده است. ایده اصلی این حمایت، اهمیت پیشرفت و گسترش فنون، علوم و دانش بود که امروزه با مفهوم میراث فرهنگی به منظور تضمین دستیابی تمام ملل بشر درهم‌آمیخته است. در همین راستا پروفیسور آنا فیلیپا، سه گرایش هنجاری زیر را با منطق حمایت از میراث فرهنگی درهم‌آمیخته و به شرح زیر ارائه کرده است. (Filipa, 2009: 68-70)

«نخست آنکه، تعهد بر حمایت از میراث فرهنگی، محدود به دولت‌های عضو کنوانسیون - های حقوق بشری، حقوق بشردوستانه و حتی کنوانسیون‌های خاص میراث فرهنگی نمی‌شود بلکه همه دولت‌ها مشمول این تعهدات حمایتی می‌شوند. این توسعه ذاتی، ناشی از این مفهوم است که اگر حمایت از میراث فرهنگی در سطح بین‌المللی اهمیت آن را برای همه ملل، زمینه‌سازی می‌کند و "ارزشی ویژه برای حمایت از آن توسط جامعه بین‌المللی" دارد، پس تمام دولت‌ها نفع حقوقی در حمایت از آن دارند».

در ثانی، با فروریختن تدریجی مرزهای میان حمایت از میراث فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، اشغال نظامی و دوران صلح، محتوای این تعهد، باز تعریف شده است. این موضوع در آثار و عواقب تخریب یادمان بودای بامیان در تصویب بیانیه تخریب عمدی میراث فرهنگی ۲۰۰۳ توسط یونسکو برجسته شده است.

بالاخره، رشد همگرایی میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در حوزه میراث فرهنگی و حقوق فرهنگی».

به این ترتیب، زمینه‌های اولیه برای شکل‌گیری نوعی از حق بشری با عنوان حق بر میراث فرهنگی بر اساس مبانی و مفروضات پیش‌گفته به چشم می‌خورد. اما این مفهوم تا حدود زیادی نیازمند قوام موضوعی و توسعه مبانی حقوقی است.

۷. اجزاء و مولفه‌هایی برای حق بر میراث فرهنگی

با بررسی اسناد تخصصی میراث فرهنگی در چارچوب کنوانسیون‌های خاص و دیگر مقررات مرتبط با حفاظت و حمایت از میراث فرهنگی، می‌توان دریافت که حق بر میراث فرهنگی، موضوعی

تفکیک‌ناپذیری در ساختار میراث فرهنگی به شمار می‌رود. در بیانیه شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌ها (ایکوموس)^۱ ۱۹۹۸، ضمن تأکید بر این موضوع بر تکلیف و مسئولیت ناشی از این حق بر افراد و جوامع، همچنین نهادهای و دولت‌ها اذعان شده است.

از سوی دیگر، اهمیت موضوع حق بر میراث فرهنگی، با توجه به مفهوم میراث فرهنگی در تکلیف و مسئولیت نسل کنونی، در حفاظت و پاسداری از آن برای واسپاری به نسل‌های آینده است. هر چند نباید از این نکته غافل شد که در تحلیل مبانی و شناسایی حق بر میراث فرهنگی اعم از حق بر میراث جهانی، انتساب مالکیت مشترک آن به ملل جهان با اصل حاکمیت دولت‌ها، در تعارض است. تجربه جامعه بین‌المللی در خصوص حق بر محیط‌زیست سالم، نمونه‌ای از تعارض میان حاکمیت دولت و حقوق ملت‌ها بود، اما ایجاد این رابطه به دلیل شتاب در روند توسعه و تأثیر فرامرزی مخاطرات زیست‌محیطی ناشی از تخریب یا آلودگی‌های زیست‌محیطی، پیش از میراث فرهنگی استقرار یافت و با سرعت بیشتری سیر تکامل و تکوین حق بشری را پیمود. اما میراث فرهنگی نیز همانند برخی حقوق حقوق بشری نیازمند برخورداری از حق بر آموزش و حق بر مشارکت در زندگی فرهنگی است. علاوه بر تعهد دولت‌ها به آموزش و جلب مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد و افراد علاقه‌مند به میراث فرهنگی در روند حمایت و حفاظت از میراث فرهنگی، از موضوعاتی که به صراحت در بخشی از اسناد خاص یونسکو نیز اشاره شده است، تعهد دولت‌ها بر حمایت، حفاظت یا پاسداری از میراث فرهنگی است.

به این ترتیب، در شناسایی ارکان حق بر میراث فرهنگی باید از مؤلفه‌ها و موازینی که یونسکو و سایر نهادهای تخصصی بین‌المللی این حوزه بر آن تأکید کرده‌اند، بهره جست.

در اسناد یاد شده به طور مشخص بر تعهد دولت‌ها بر آموزش، اطلاع‌رسانی و جلب مشارکت عمومی، شناسایی، مستندنگاری، حفاظت و حمایت از میراث فرهنگی به انحاء مختلف و بسته به ماهیت موضوعات و قالب ساختاری میراث فرهنگی تأکید شده است.^۲ از جمله برای حمایت از میراث فرهنگی به‌عنوان حقوق نسل‌های آینده، ایکوموس موازین و حقوقی را در بیانیه استکهلم ۱۹۹۸ به شرح زیر ارائه کرده است که به عنوان تنها چارچوب حقوقی موجود در این حوزه لازم است مورد توجه قرار گیرد.

- حق بر اظهار اصیل میراث فرهنگی، مطابق با بیان هویت فرهنگی فردی به عنوان عضو

^۱- ICOMOS

^۲- کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس ۲۰۰۳ و کنوانسیون تنوع فرهنگی ۲۰۰۵

خانواده بشری

- حق بر تفهیم بهتر میراث فردی خویش و سایرین
- حق بر اندیشه و استفاده مناسب از میراث
- حق بر مشارکت در روند تصمیم‌سازی تأثیرگذار برای میراث و ارزش‌های فرهنگی سازنده

آن

- حق بر تشکیل انجمن‌هایی برای حمایت و معرفی میراث فرهنگی.^۱

با مقایسه حقوق شناسایی‌شده توسط ایکوموس با ارکان حق بر محیط‌زیست سالم مندرج در کنوانسیون اروپایی آروهاس ۱۹۹۸- که به دلیل تقارن زمانی و وجه اشتراک میان این دو حوزه با تأکید بر میراث طبیعی به‌عنوان بخشی از میراث مورد حمایت در کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو می‌باشد- «حق بر مشارکت» به‌عنوان یکی دیگر از ارکان مشترک قابل شناسایی است. علاوه بر این «حق بر آموزش و معرفی میراث فرهنگی» مؤلفه و رکن دیگری در تحقق حق بر میراث فرهنگی است که با حق بر دسترسی به اطلاعات و حق بر آموزش (Priour, 2005.107) در حق بر محیط‌زیست سالم، متناظر هستند.

از دیگر ارکان مورد توجه در حق بر محیط‌زیست سالم، حق دسترسی به محاکم زیست محیطی است. شناسایی تخریب عامدانه میراث فرهنگی در زمان جنگ در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، تحت عنوان جنایت جنگی یا جنایت علیه بشریت و شناسایی جرم قاچاق اموال تاریخی- فرهنگی به عنوان یکی از مصادیق جرائم سازمان یافته فراملی از مواردی است که ضرورت توجه به این موضوع را بیش از پیش حائز اهمیت می‌کند.

در حال حاضر با شناسایی میراث فرهنگی به عنوان میراث بشری و اطلاق حق بشری بر آن، شورای جهانی حقوق بشر و دیوان‌های حقوق بشر منطقه‌ای مانند دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان امریکایی حقوق بشر، در رسیدگی‌های موردی خود، حقوق فرهنگی را با استعانت از رابطه میان حق بر هویت و میراث فرهنگی مورد توجه قرار می‌دهند و در صدور آراء از آن

¹ - See in Declaration of ICOMOS Marking the 50th Anniversary of the Universal Declaration of Human Rights, Stockholm, September 11th, 1998 at: http://www.icomos.org/charters/Stoc_kholm-e.pdf. Last visited on 10-11-2015

بهره می‌گیرند. به این ترتیب، لازم است به حق دسترسی به محاکم ملی و بین‌المللی به عنوان یک رکن دیگر در این موضوع توجه شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به رابطه میراث فرهنگی با حقوق بشر به ویژه در چارچوب حقوق فرهنگی، عناصر معنوی و آثار مادی متعلق به میراث فرهنگی می‌توانند مورد شناسایی و حمایت قرار گیرند. تفکیک و تمییز عناصر معنوی و آثار مادی - به رغم تفکیک کنوانسیون‌ها و اسناد یونسکو- امری ساده انگارانه و معیوب است. برای حمایت از میراث فرهنگی به ویژه به مثابه یک حق بشری نباید از این نکته غفلت نمود که رابطه میان میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، به مثابه روح به کالبد است. روح میراث فرهنگی، نشأت گرفته از هویت فرهنگی ملت‌هاست که به کالبد آن یعنی آثار تاریخی به‌جامانده از ملتها معنا می‌بخشد و به این ترتیب است که فهم اهمیت حمایت میراث فرهنگی فراهم می‌آید.

به همین جهت تمرکز و تاکید صرف به عرف و معاهدات برای حمایت از میراث فرهنگی ناکافی است بلکه با ابتناء بر مولفه‌های حقوق بشری و توسل به اصول عدالت و انصاف حمایت موثرتری میسر می‌گردد. به این ترتیب، ضمانت اجرای مؤثری برای حمایت از میراث فرهنگی باید فراهم آورد که پیش زمینه آن تقویت ارکان این حق می‌باش و این امر زمانی از ضمانت اجرای حقوقی لازم برخوردار بود که دولتها با حمایت‌های سلبی و ایجابی در چارچوب سیاست-گذاری‌ها و برنامه‌های ملی در جهت تقلیل و تحدید حاکمیت شان، نقش بیشتری را برای اقشار ملتها در نظر داشته باشند.

پیشنهادهای

در پایان به منظور امکان بهره‌برداری از یافته‌های این مقاله و حسب ضرورت تقویت و انسجام میان ارکان حق بر میراث فرهنگی، دیوانی بین‌المللی برای رسیدگی به دعاوی و شکواییه‌های مرتبط با میراث فرهنگی در نظر گرفته شود. حق دسترسی به این دیوان علاوه بر دولتها باید به اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دینفعان و سازمان‌های بین‌المللی اعطاء شود که این امر نیز همانطور که به آن اشاره شد مستلزم حمایت دولتها در روند سیاست‌گذاری‌های حقوقی از جمله سیاست‌های تقنینی و قضایی است.

منابع فارسی

کتاب

- شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۸۰)، **حقوق بشر، نظریه‌ها و رویه‌ها**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، زمستان
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، **حقوق بشر در جهان معاصر**، دفتر یکم، درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، تهران، شهر دانش
- امیرساعد وکیل، همکاران (۱۳۸۹)، **مروری بر مکاتب فلسفی حقوق بین‌الملل**، میزان

مقالات

- بجای، محمد (۱۳۷۶)، **ژنوم انسانی به مثابه میراث مشترک بشریت یا ژنتیک بیم و امید**، ترجمه: ابراهیم بیگزاده، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۱۱، پیاپی ۱۶۶-۱۷۶، زمستان و بهار
- توکل حبیب‌زاده، فرنگیس منصوری (۱۳۹۲)، **بازخوانی اصل میراث مشترک بشریت و تفاوت‌های آن با مفهوم نگرانی مشترک بشریت**، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال چهاردهم، سال دوم، پیاپی ۳۸، پاییز و زمستان

English Resources

Book

- Blake, Janet, (2015), **International Cultural Heritage law**, Oxford
- Chechi, Alessandro, (2014), **The settlement of international cultural heritage disputes**, Oxford
- Elsa Stamatopoulou, Martins Nijhoff, (2009), **Cultural Rights in International Law**, Article 27 of Universal Declaration of Human Rights and Beyond, Publisher
- Kaland, Arne, (2014), **Nature: The Common Heritage of Mankind?**, Department of Anthropology, University of Oslo
- Filipa, Ana, (2009), **Cultural Heritage in Human Rights and Humanitarian Law**, Selected works of Ana Filipa Vrdoljak
- Helaine Silverman, Ruggles, D. Fairchild Eds (2007), **Cultural Heritage and Human Rights**, Springer
- Taylor, Prue (2011), **The common heritage of Mankind: A Bold doctrine kept within strict boundaries**, Klaus Bosselman, Daniel Fogel and J. B. Ruhl,

Eds. The Encyclopedia of Sustainability, V.3: The Law and Politics of Sustainability

Articles

- Lenwerini, Federico(2011), **Intangible Cultural Heritage: The Living Culture of Peoples**”, The European Journal of International Law, Vol 22, No.1

Site

- Declaration of ICOMOS Marking the 50th Anniversary of the Universal Declaration of Human Rights, Stockholm, September 11th, 1998 at: <http://www.icomos.org/charters/Stockholm-e.pdf>

- GA11646(28 May 2015:<http://whc.unesco.org/en/news/1313&S/RES/2199>) 15 Feb. 2015. at: <http://www.un.org/en/sc/documents/resolutions/2015.shtmls>

- Sheng, Gao(2010), **International Protection of Cultural Property:some Preliminary issues and the Role of International Convention**, Singapore Yearbook of International Law and Contributors

- <http://whc.unesco.org/en/news/1313> (3 July 2015)

- <http://en.unesco.org/about-us/introducing-unesco>

Documents

- UNESCO Convention on Natural and Cultural World Heritage 1972

- UNESCO Convention for Conservation of Under Water Cultural Heritage 2001

- UNESCO Convention on Safeguarding of Intangible Cultural Heritage 2003

Resources French

- Francioni, Francesco,(2008), **Au-delà des traités: l'émergence d'un nouveau droit coutumier pour la protection du patrimoine culturel**, Institut d'Université de Badiu Fiesolana; Italie

- Lerat-Hardy, Marie-Christine,(2015), **Les Patrimoines, les mémoires et les territoires, itinéraires du droit à la culture aux droits culturels**, un enjeu de démocratie, Pleidia

- Prieur, Michel,(2005), **Droit de l'homme à l'environnement et développement durable**, Faculté de droit et des sciences économiques, Université de Limoges